



# ماجرای شهادت

## امام محمد تقی علیه السلام

سید مجتبی اهرق

دعا این است:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالتَّوَلُّودِ بْنِ فِی رَجَبٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِي الثَّانِي وَابْنِهِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمُتَّجِبِ...<sup>۴</sup> خدایا! از تو درخواست می‌کنم به حق دو مولود در ماه رجب؛ محمد بن علی دوم و فرزندش علی بن محمد، که برگزیده توست...»

پدر بزرگوارش علی ابن موسی

نهمین اختر فروزان آسمان امامت

و ولایت، امام محمد بن علی علیه السلام ملقب به جواد، تقی، قانع، مرتضی، نجیب، منتجب، متقی، زکی، متوکل، مرضی، المختار و مُکْتَبی به ابوجعفر (ابو جعفر ثانی) و ابوعلی<sup>۱</sup>، در سال ۱۹۵ ه.ق بنا به قولی در ۱۵ یا ۱۷ ماه رمضان<sup>۲</sup> و بنا به قول دیگر در دهم ماه رجب<sup>۳</sup> در شهر مدینه دیده به جهان گشود. قول اخیر - علاوه بر شواهد تاریخی - به دلیل دعایی که از ناحیه مقدس حضرت امام زمان علیه السلام به وسیله شیخ بزرگوار «ابوالقاسم» (حسین بن روح) آمده است، تقویت می‌شود. آن

۱. مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۴۱۰ و کشف الغم، ج ۳، ص ۱۳۵ و ۱۵۵.
۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۴۹۲.
۳. مصباح المنهجد، ص ۵۵۷.
۴. مفاتیح الجنان، دعاهاى ماه رجب.

آلوده، خودکامه و قدرت طلب، حسدزا و درد آفرین می‌باشد و سرانجام این حسادت‌ها و دردها با وسوسه‌های شیطانی قرین شده و برای حذف آن بزرگواری‌ها و عظمت‌ها اقدام خواهند نمود.

نورگیتی فر روز چشمه مور

زشت باشد به چشم موشک کور<sup>۶</sup>  
هنر امام جواد علیه السلام - با عنایت  
خداوند و استعداد ذاتیش - در حوزه  
علم و دانش و کمال برای افرادی چون  
«یحیی بن اکثم» و «أبی دُواد» عیب  
بزرگی محسوب می‌شد و محبوبیت  
آن بزرگوار در دل اهل ایمان در اقصی  
نقاط بلاد اسلامی، بارگرانی برای  
«معتصم عباسی» بود و همسر امام  
جواد علیه السلام هم بر اساس ریشه ناصالح  
خود، همچون آتش زیر خاکستری در  
حال شعله‌ور شدن بود و گرنه امامت و

الرضا علیه السلام، هشتمین امام شیعیان و مادر  
ارجمندش بانویی بزرگوار به نام  
«ام ولدی» و ملقب به سبیکه و خیزران  
بود که از خاندان ماریه قبطیه همسر  
پیامبر اسلام<sup>۱</sup> می‌باشد.

حضرت جواد الائمه بعد از پدر  
بزرگوارش در سن هشت سالگی<sup>۲</sup> به  
امامت رسید و بعد از هفده سال امامت  
در سن ۲۵ سالگی، به سال ۲۲۰ ه.ق<sup>۳</sup>  
در زمان خلافت معتصم عباسی به  
شهادت رسید و در گورستان قریش  
بغداد و در کنار قبر جدش امام موسی  
بن جعفر علیه السلام مدفون گردید.<sup>۴</sup>

در این مقاله به مناسبت شهادت  
امام جواد علیه السلام طراحان و مجریان نقشه  
شهادت آن امام بزرگوار را معرفی  
کرده، چگونگی شهادت آن حضرت را  
توضیح خواهیم داد.

#### طراحان و مجریان نقشه شهادت

بی‌گناهی کم گناهی نیست در دیوان عشق  
یوسف از دامان پاک خود به زندان رفته است<sup>۵</sup>  
بی‌گناهی، پاکی، لیاقت،  
شخصیت، عظمت و بزرگواری،  
همانگونه که در دل افراد سالم و صالح  
امتیاز آفرین است، در دل افراد بیمار،

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۱۵ و ۴۹۲.

۲. همان.

۳. همان، ص ۴۹۲.

۴. ائمة الهدی، العسقلر الهاشمی الافغانی،

ص ۱۳۵.

۵. دیوان صائب تبریزی.

۶. کلیات سعدی، ص ۸۲.

خورد<sup>۲</sup> و در نتیجه از بدگویی و سمپاشی علیه آن بزرگوار و زمینه سازی برای در هم شکستن او فروگذار نکرد.

#### ب) احمد بن دُواد:

احمد بن دُواد، قاضی دربار عباسی، در مجلسی که «معتصم» برای تعیین حکم سارقی از فقهای بغداد تشکیل می‌دهد، به هنگام اظهار نظر به خطا می‌رود و اظهار نظر امام جوان مورد توجه معتصم قرار می‌گیرد و آنگاه «معتصم» طبق نظر امام جواد دست سارق را از انگشتان قطع می‌کند. احمد بن ابی دُواد، در این مجلس با حضور خلیفه و فقها، چنان شکست می‌خورد که می‌گوید: «آن روز برای من قیامتی شد و آرزو کردم که‌ای کاش زنده نبودم.»<sup>۳</sup>

همچنین موضوع ناراحتی و غصه سخت خود را برای «زرقان» دوست

عصمت و صداقت و فقاقت و هدایت، نزد هیچ انسان عاقل و شرافتمندی جرم محسوب نمی‌شود. در اینجا مناسب است پیرامون هر یک از افرادی که در شهادت آن امام همام نقش داشته است توضیح بیشتری ارائه گردد.

#### الف) یحیی بن اکثم:

یحیی بن اکثم، قاضی القضاة عصر «مأمون» و از قضات خود فرخته درباری بود که به نوشته «ابن خلدکان» در جلد ۶ کتاب «وفیات الاعیان» و اعتراف مأمون، مبتلا به انحراف جنسی بوده است. این قاضی، درباره خلفای پس از پیامبر ﷺ، با امام جواد علیه السلام بحث‌ها و گفت و گوهایی داشت که به شکست و حیرت وی انجامید.<sup>۱</sup> او به هنگام مخالفت «بنی عباس» با «مأمون عباسی» در مورد ازدواج دختر مأمون یعنی «ام الفضل» با امام جواد علیه السلام، مورد حمایت مادی قضات «بغداد» قرار گرفت تا با امام جواد هشت ساله بحث فقهی کند و بدین وسیله «مأمون» را از این ازدواج باز دارد، اما در بحث علمی شکست

۱. زندگانی امام جواد علیه السلام، صادقی اردستانی، ص ۲۲۱، به نقل از بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۸۰.

۸۲

۲. الامام الجواد من المهدی الى اللحد، ص ۱۸۲.

۳. همان، ص ۳۰۱ و ۳۰۸.

و توطئه و دخالت‌های دیگران در وجود این زن نگون بخت اثر گذاشت و او را به قتل شوهر نازنین خویش و ادار ساخت.

#### د) معتصم عباسی:

ابو اسحاق، ابراهیم بن هارون، معروف به «معتصم عباسی» قدرتمدار خودکام‌ای بود که فقط به خلافت و حاکمیت خود می‌اندیشید و در این راه خون‌های بی‌گناهان زیادی را به زمین ریخت. معتصم، غیر از بی‌دانشی و معایب فراوان اخلاقی، بر خلاف مأمون در اثر بی‌لیاقتی و سوء تدبیر، زود تأثیر می‌پذیرفت. وقتی همه فقهای بغداد و بسیاری از سران بنی عباس جمع شدند که مأمون را از ازدواج دخترهایش با امام رضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام منصرف کنند، او بر موضع خویش ثابت قدم باقی ماند و نقشه ماهرانه‌ای را که به صلاح حاکمیت خویش می‌دانست عملی کرد، اما معتصم تحت تأثیر توطئه «ابی دُواد» قرار گرفت و دستور قتل امام

صمیمی خود بازگو کرده و می‌گوید: «من بخاطر آنچه از این سیاه چُرده (ابو جعفر محمد بن علی بن موسی علیه السلام) در حضور خلیفه کشیدم و شکست خوردم، آرزو می‌کنم که ای کاش ۲۰ سال پیش از این مرده بودم.<sup>۱</sup> و بعد از این ماجرا، توطئه و نقشه خطرناکی طرح ریزی نمود که منجر به شهادت امام جواد علیه السلام گردید.

#### ج) امّ الفضل:

زینب، معروف به «امّ الفضل» دختر مأمون و همسر امام محمد تقی علیه السلام بود که بیش از ۱۵ سال با آن امام معصوم زندگی کرد و بنا به یک نقل تاریخی مجری قتل امام بود.

امام محمد تقی علیه السلام بر اساس اصرار مأمون و رعایت مصالح جامعه اسلامی تن به ازدواج با امّ الفضل - که از اصالت خانوادگی برخوردار نبود - می‌دهد و برای حفظ نسل و استمرار امامت، همسر دیگری انتخاب می‌نماید، چون تقدیر الهی بر این تعلق گرفته بود که از دامن امّ الفضل نسلی بوجود نیاید. بالاخره عدم اصالت خانوادگی، نازایی، وجود همسر رقیب

۱. همان.

از متون تاریخی استفاده می‌شود که مجموعه‌ای از افراد به طور مستقیم و غیرمستقیم در شهادت امام محمد تقی علیه السلام نقش داشته‌اند. افرادی مثل «یحیی بن اکثم» زمینه ساز بوده‌اند، احمد ابن ابی ذواد و جعفر بن مأمون «محرک» بوده‌اند، خلیفه عباسی «معتصم» صادر کننده حکم قتل و طبق یک نظریه تاریخی «ام الفضل» مجری طرح قتل بوده است.

#### چگونگی توطئه و اجرای آن

کلیم بن عمران می‌گوید: هنگامی که امام جواد متولد شد، امام رضا علیه السلام به یاران خویش فرمود: فرزندی برای من به دنیا آمده است که مثل «موسی بن عمران» دریا را می‌شکافد و مادرش مثل مادر «عیسی بن مریم» مقدس و پاکیزه و پاکدامن است. سپس اضافه فرمودند: این فرزند، از روی خشم و غضب کشته می‌شود و اهل آسمان‌ها بر او گریه می‌کنند. خداوند نسبت به دشمن ستمگر او غضب می‌کند و در مدت کوتاهی او را به عذاب دردناک و

جواد علیه السلام یعنی، شوهر برادرزاده خود را صادر کرد.

#### ه) جعفر بن مأمون:

جعفر بن مأمون، برادر معتصم عباسی، در فکر قتل امام جواد علیه السلام بود و در ماجرای شهادت آن امام بزرگوار نقش مددکاری داشت.

مسعودی در کتاب «اثبات الوصیه» می‌نویسد: وقتی ابو جعفر علیه السلام به سوی عراق (بغداد) حرکت کرد، معتصم و جعفر بن مأمون پیوسته در فکر و تلاش برای قتل آن حضرت بودند. جعفر با خواهر ابوینی خود (ام الفضل) و همسر جواد الاثم علیه السلام در این‌باره صحبت کرده بود، زیرا از ناراحتی روحی و حسادت او نسبت به امام جواد مطلع بود. چون امام جواد علیه السلام همسر دیگر خویش «ام حسن» را نسبت به ام الفضل ترجیح می‌داد و به او اظهار محبت می‌نمود. علاوه بر این ام الفضل از امام جواد دارای فرزندی نمی‌شد و بدین خاطر نیز برای پاسخ مثبت دادن به خواسته معتصم و جعفر در مورد قتل امام علیه السلام آمادگی داشت.<sup>۱</sup>

۱. زندگانی امام محمد تقی علیه السلام، عمارزاده اصفهانی، ص ۲۸۶.

شدیدی مبتلا می گرداند.<sup>۱</sup>  
 مأمون در سال ۲۱۸ ه. ق از دنیا رفت و برادر او «معتصم» به جای وی نشست.<sup>۲</sup> معتصم پس از تثبیت خلافت خود، از وضع امام جواد علیه السلام که در مدینه به سر می برد جو یا شد و به «محمد بن عبدالملک زیات» که در مدینه می زیست و سمت وزارت وی رانیز داشت نوشت: امام جواد علیه السلام را با «ام الفضل» از جانب من دعوت کن و با احترام به بغداد بفرست. محمد بن عبدالملک نامه معتصم را به علی بن یقطین داد و او را مأمور آماده نمودن امام جواد علیه السلام جهت سفر به بغداد کرد.  
 این دومین سفری بود که امام جواد علیه السلام به بغداد انجام داد. در سفر اول که در سال ۲۰۴ ه. ق صورت گرفت، آن حضرت حدود ۱۰ یا ۱۶ سال داشت و مأمون او را به بغداد فرا خواند تا دختر خویش ام الفضل را به ازدواج او در آورد و چنین شد.  
 اما اکنون (۲۱۸ ه. ش) از عمر مبارک امام محمد تقی علیه السلام حدود ۲۳ سال گذشته است و این مسافرت اجباری با توجه به سیاست های حيله

گرانه و مرموز حاکم عباسی که با تهدید و فضای خفقان بار به وجود آمده است، صورت می گیرد و امام جواد علیه السلام در عین مظلومیت، با صلاح اندیشی برای حفظ اساس اسلام بدان تن می دهد.

اسماعیل بن مهران می گوید: در اولین سفری که امام جواد علیه السلام برای رفتن به بغداد مدینه را ترک می کرد، به حضور آن بزرگوار رسیدم و گفتم: ای مولای من! قربانت گردم، اکنون که شما مدینه را ترک می گوئید، من برای شما نگران هستم، تکلیف ما چیست؟ و امام بعد از تو کیست؟ امام جواد علیه السلام لبخند معناداری زد و فرمود: «أَئِيسَ حَيْثُ ظَنَنْتَ فِي هَذِهِ السَّنَةِ؟ آنچه تو گمان می کنی [و برای آن نگران هستی] در این سال واقع نخواهد شد.» اما برای سفر دوم - که معتصم، امام جواد علیه السلام را به بغداد دعوت کرد - به حضور آن حضرت رسیدم و عرض کردم: ای مولای من! جانم به قربانت، اکنون که تو مدینه را ترک می کنی، تکلیف ما بعد

۱. بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۱۵.

۲. همان، ص ۱۶.

است که معتصم - طبق مصالح خویش - آن حضرت را برای حل مشکلات فقهی و علمی در جلسات قضات شرکت می‌داده و شکست علمی «احمد بن ابی دُواد» نیز در این ایام صورت گرفته است.

به هر حال، پس از آن که «احمد بن ابی دُواد» با ۲۰ سال سابقه قضاوت در دربار عباسیان با شکست مواجه شد، حسد و عقده شکست، او را به عداوت و کینه کشانید و در صدد انتقام برآمد! «زرقان» رفیق صمیمی او می‌گوید: وی برایم می‌گفت: پس از آن شکست به قدری ناراحت بودم که آرزوی مرگ می‌کردم، بدین جهت روز سوم بعد از جریان شکست، به نزد معتصم رفتم و گفتم: «نصیحت و خیرخواهی امیرالمؤمنین برای من واجب است. اگر آن را انجام ندهم ناسپاسی کرده و سزایم آتش دوزخ است!» معتصم گفت: «موضوع چیست؟» گفتم: «وقتی امیرالمؤمنین در مجلسی فقها و علما و

از تو چه خواهد بود؟ امام علیه السلام این بار گریه کرد تا جایی که محاسن او از اشک چشمش خیس شد. آنگاه متوجه من گردید و فرمود: این سفر خطرناکی است و آنگاه فرمود: «الْأَمْرُ مِنْ بَعْدِي إِلَىٰ إِبْنِي عَلِيٍّ؛<sup>۱</sup> امر امامت [و پیشوایی] بعد از من به عهده فرزندم علی علیه السلام خواهد بود.»

امام جواد علیه السلام به حسب ظاهر با استقبال مقامات دربار و رجال حکومت و حضور علما و فرماندهان ارتشی با آسایش و احترام ظاهری به بغداد پایتخت معتصم وارد شد و در نزدیکی کاخ خلیفه، تحت نظر و مراقبت جاسوسان و مأموران حکومت اسکان یافت.

#### توطئه «ابی دُواد»

اگر سخن «ابن اثیر» و «شیخ صدوق» - که ورود امام جواد علیه السلام به بغداد را در ۲۸ محرم سال ۲۲۰ ه.ق ثبت کرده‌اند - بپذیریم،<sup>۲</sup> با توجه به اینکه امام محمد تقی علیه السلام در آخر ذی القعدة همان سال به شهادت رسیده‌اند، باید بگوییم آن حضرت مدت ده ماه در بغداد اقامت داشته و در این مدت بوده

۱. الارشاد مفید، ج ۲، ص ۲۹۸.

۲. کامل ابن اثیر، ج ۵، حوادث سال ۲۲۰ و

بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۸.

مردم را جمع می‌کند تا برای حل یک مسأله دینی راه چاره پیدا کند، آنگاه علما و فقها حکم مسأله‌ای را به نظر خود بیان می‌کنند و نیز در آن مجلس اعضای خانواده، وزرا، فرماندهان و... حضور دارند، خلیفه نظریه همه علما و فقها را کنار می‌گذارد و بر خلاف نظریه آنان، نظریه کسی را می‌پذیرد که فقط گروهی از افراد این امت به امامت او عقیده دارند و او را برتر و دانشمندتر از دیگران می‌دانند، تکلیف حکومت و علمای دربار چه می‌شود؟ برای آنان چه حیثیتی باقی می‌ماند؟ آیا این کار موجب انحراف افکار عمومی از خلافت و توجه و تمایل آنان به ابو جعفر علیه السلام نمی‌گردد؟»

با شنیدن این استدلال رنگ چهره معتصم تغییر نمود، استدلال این عالم درباری را آگاهی بخش و هشدار دهنده یافت و گفت: «جزاك الله عن نصيحتك خَيْرًا؛ خداوند به خاطر نصیحتت به تو جزای خیر دهد.»<sup>۱</sup>

این سخنان تحریک‌آمیز، مزاج قدرت طلب معتصم را تحت تأثیر قرار داد و در نتیجه تصمیم به قتل امام

جواد علیه السلام گرفت.

### چگونگی شهادت

در مورد چگونگی شهادت آن حضرت، عمده روایات تاریخی به سه صورت زیر وارد شده است:

#### ۱ - میهمانی وزیر

پس از سخنان تحریک‌آمیز «احمد بن ابی دُواد» در حالی که چهار روز از مناظره علمی و پیروزی امام جواد علیه السلام بر همه علما و فقهای دربار می‌گذشت، معتصم به یکی از وزیران خود دستور داد آن حضرت را به خانه خویش برای ناهار دعوت کند و مسموم نماید. او اضافه کرد که اگر آن حضرت زیر بار دعوت نرود، بگویند مجلس خصوصی است! این وزیر - که از ترس و ملاحظات سیاسی، نام او در تاریخ ثبت نشده است - امام جواد علیه السلام را برای غذا خوردن به خانه خویش دعوت کرد، و آنگاه که با اکراه و عدم قبول امام مواجه شد، اصرار کرد: بسیار دوست دارم پای خود را روی فرش خانه‌ام بگذارم تا به وجود مبارک شما

۱. بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۶.



آمد، معتصم «آشناس» فرمانده ترک ارتشی را با تحفه‌ها و هدایایی برای امام علیه السلام و همسر او «أم الفضل» فرستاد و همراه آن هدیه‌ها «شربت ریواس» ترش مزه آلوده به زهر را به «آشناس» داد تا به امام جواد علیه السلام بخوراند. «آشناس» هم به آن امام مظلوم گفت: این شربت خوشمزه‌ای است که با یخ آن را خنک کرده‌ایم، خلیفه و احمد بن ذواد و سعید بن خضیب و گروهی از رجال سرشناس دربار هم از آن نوشیدند و خلیفه دستور داده، تا شربت خنک است شما آن را میل نمایید!

امام محمد تقی علیه السلام شربت را تحویل گرفت و فرمود: مانعی ندارد، آن را شب می‌خورم، اما آشناس گفت: این شربت خنک است، اگر بماند یخ آن آب می‌شود و خاصیت لازم را نخواهد داشت، بنابراین هم اکنون باید آن را میل نمایید!

امام جواد علیه السلام هم ناچار شربت را نوشید.<sup>۲</sup> البته بر حسب قاعده باید

۱. همان، ص ۷.

۲. همان، ص ۸.

متبرک شود و دوست دارم یکی از وزیران خلیفه هم شمارا زیارت کند.

امام محمد تقی علیه السلام ناچار این دعوت را پذیرفت و آنگاه که اولین لقمه را در دهان گذاشت احساس مسمومیت نمود، بدین جهت دستور داد مرکب او را آماده کنند و آنگاه که صاحب خانه اصرار به ماندن نمود، فرمود: «خُروجی من دارک خیر لک؛ خارج شدن من از خانه تو برایت بهتر است.» امام جواد علیه السلام در حالی که مسمومیت در وجود او اثر گذاشته بود، خانه وزیر معتصم را ترک کرد و آن روز و شب در اثر مسمومیت و ناتوانی معده نتوانست دوام بیاورد و سرانجام حدود ۲۰ ساعت پس از صرف آن لقمه مسموم به شهادت رسید.<sup>۱</sup>

## ۲- «آشناس»، عامل قتل

ابن شهر آشوب درباره چگونگی شهادت حضرت جواد الائمه علیه السلام می‌گوید: پس از آن که امام جواد علیه السلام به دعوت اجباری «معتصم» به بغداد آورده شد و به حسب ظاهر استقبال حکومتی هم از آن حضرت به عمل

ارسال هدایا بعد از جلسه مذاکره علمی و پاسخ مسائل شرعی توسط امام جواد علیه السلام باشد و الا این نقل تاریخی با بحث‌های گذشته سازگار نخواهد بود.

### ۳- أمّ الفضل، همسری بی‌وفا

روایت سوم تاریخی درباره چگونگی شهادت امام جواد علیه السلام این است که: أمّ الفضل همسر امام و دختر مأمون به دستور عموی خود معتصم عباسی آن امام معصوم را به شهادت رسانید.

طبق این روایت پس از آن که معتصم عباسی به خلافت رسید، برای به قتل رساندن ابو جعفر علیه السلام حیل‌ها و نقشه‌هایی می‌کشید. تا آن که به «أمّ الفضل» دختر مأمون و همسر امام علیه السلام دستور داد آن حضرت را مسموم نموده و به شهادت برساند. معتصم می‌دانست، امّ الفضل از دست امام دل‌خوشی ندارد و سخت گرفتار احساسات زنانه است، چون امام جواد علیه السلام همسر دیگری به نام «ام حسن» داشت که برای وی فرزند پسری به دنیا آورده بود. به هر حال

ام‌الفضل همسر بی‌وفای امام جواد علیه السلام، دستور عموی خود معتصم عباسی را پذیرفت و معتصم و جعفر چون می‌دانستند امام علیه السلام انگور را بسیار دوست می‌دارد، با تدبیر، زهری را در «انگور رازقی» تزریق نمودند و امّ الفضل نوزده دانه از آن را به شوهر جوان و مظلوم خویش خورانید. اما همین که امام علیه السلام انگور زهرآلود را خورد، امّ الفضل سخت ناراحت و پریشان شد و صدای خود را به گریه بلند کرد!

امام جواد علیه السلام که با علم غیب، یا از گریه «أمّ الفضل» متوجه عمل خائنانه او گردیده بود، فرمود: «چرا گریه می‌کنی؟ به خدا سوگند، خدا تو را به زخمی مبتلا می‌کند که راه علاجی نخواهد داشت و به بلایی گرفتار خواهی شد که نمی‌توانی آن را برای کسی بیان کنی.<sup>۱</sup>»

بنابر هر یک از این روایات، امام محمد تقی علیه السلام مسموم گردید و در خانه خویش در حالی که از شدت

۱. بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۱۷.

خویشان دور بود و درد غربت بر دردهای دیگر آن حضرت می‌افزود، طبق معروف‌ترین روایات تاریخی، روز آخر ماه ذی قعدة سال ۲۲۰ ه.ق در بغداد، همانطور که آن حضرت به «اسماعیل بن بزيع» صحابی خود و پدرش فرموده بود:

«الْفَرَجُ بَعْدَ الْمَأْمُونِ بِثَلَاثِينَ شَهْرًا؛  
گشایش، سی ماه بعد از مأمون خواهد بود»، سی ماه پس از درگذشت مأمون، به شهادت رسید.

میان حجره چنان ناله از جفا می‌زد  
که سوز ناله‌اش آتش به ماسوی می‌زد  
شرار زهر ز یک سو و سوز غم یک سو  
به جان و پیکرش آتش جدا جدا می‌زد  
نداشت شکوه زیگانگان به لب، دم مرگ  
ولیک داد زبیداد آشنای می‌زد  
برون حجره همه پایکوب و دست افشان  
درون حجره یکی بود دست و پا می‌زد  
استاده بود و جواد الاثمه جان می‌داد  
از او پرس که زخم زبان چرا می‌زد<sup>۱</sup>

بی‌گناهی، پاکی، لیاقت،  
شخصیت، عظمت و  
بزرگواری، همانگونه که در  
دل افراد سالم و صالح  
امتیاز آفرین است، در دل  
افراد بیمار، آلوده،  
خودکامه و قدرت طلب،  
حسدزا و درد آفرین  
می‌باشد و سرانجام این  
حسادت‌ها و دردها با  
وسوسه‌های شیطانی  
قرین شده و برای حذف  
آن بزرگواری‌ها و عظمت‌ها  
اقدام خواهند نمود.

مسمومیت با درد و رنج طاقت  
فرسایی، مظلومانه ناله می‌کرد و به  
خود می‌پیچید و از مدینه و قوم و

۱. سفینه عشق، سروده حاج علی انسانی،  
ص ۱۹۸.